



مظفر الدین شاه: شاه‌ی که سنده مشروطیت سلطنت را انقضای کرد

تأثیر روزنامه اختر بر پدیده قانون خواهی در انقلاب مشروطیت

■ مسلم عباسی *

این مقاله در پی آن است که به بررسی تأثیر یکی از مهم‌ترین روزنامه‌های برون مرزی بر پدیده قانون خواهی و قانون گرایی در انقلاب مشروطه بپردازد. خود واژه‌هایی که در عنوان این مقاله بکار رفته است نشان دهنده حوزه‌های وسیعی است که این مقاله جهت روشن کردن این تأثیر باید به آن بپردازد. مطمئناً نمی‌توان در این مقاله به تمام این حوزه‌ها پرداخت در اینجا فقط به موضوع درک نویسندگان اختر از قانون پرداخته خواهد شد. برای مشروطه مورخان زمینه‌های متعددی خصوصاً فکری و اقتصادی، داخلی و خارجی و... قائل شده‌اند اما تقریباً جملگی در نقش تعیین‌کننده روزنامه‌ها، روشنفکران و روشنگران اتفاق دارند. انقلاب مشروطه مهم‌ترین تحول اساسی دوران معاصر است، همچنان که بسیاری از مورخان مانند سعید نفیسی، ناظم اسلام، احمد کسروی تاریخ ایران را به دو دوره بزرگ ایران قبل از مشروطیت و ایران بعد از مشروطیت تقسیم نموده‌اند.

دوران مشروطه آغاز دورانی پرتلاطم از تاریخ فکری ایران است. مهم‌ترین مفهومی که در این دوران مطرح می‌شود لفظ قانون است هر چند این کلمه، کلمه‌ای ناآشنا نبود اما آنچه روشنفکران دوران مشروطه از آن مراد می‌کردند چیزی متفاوت با معنای این کلمه در دوران پیش بود. دوران مشروطه آغاز دورانی از ایران است که اولین رویارویی ایرانی با دنیای غرب صورت می‌گیرد بنابراین می‌توان از آن به عنوان مهم‌ترین دوران تاریخ ایران نام برد بی‌شک اهمیت این دوران به خاطر مواجه شدن با خود غرب نیست بلکه تغییراتی است که با این مواجهه در ساخت ذهن ایرانی صورت می‌گیرد مفاهیمی جدید به وجود می‌آید و یا مفاهیم پیشین بازتعریف می‌شوند، تحولی که هنوز تاریخ ایران در تلاطم آن بسر می‌برد. بی‌شک مهم‌ترین کار جهت درک تقابل یک صد ساله سنت و مدرنیسم در ایران و تلاشی که روشنفکران برای حل مشکلات این دوران ارائه

می دهند درک درست دوران مشروطه است بنیادی ترین مسیر جهت دست یافتن به این درک، دست یافتن به ساخت ذهن ایرانی در این دوران است تا این کار صورت نگیرد نمی توان فهمید آنها از مفاهیمی مانند قانون چه چیزی را مراد می کردند. ذهن ثابت و ایستانیست بلکه همواره در تغییر و تحول است قرار گرفتن ایران در چهار راه حوادث این تغییر و تحول را بیشتر و پیچیده تر کرده است در طول تاریخ ذهن ایرانی تحولاتی را گذرانده است اما اهمیت دوران مشروطه و نامیدن آن به عنوان مهم ترین تحول فکری تاریخ ایران به این خاطر است که دو پارادایم متفاوت با هم مواجهه شدند با این مواجهه سه ملاک اساسی اندیشه، انسانی شناسی، معرفت شناسی، نظام ارزشها دچار تغییر اساسی شد. تحولی که موجب از دست رفتن سامان فکری ایرانی شد و آغاز گر دورانی فکری شد که می توان آن را دوران سرگشتگی فکر ایرانی نامید. مفاهیمی که در این دوران به وجود آمدند در ذیل خود باعث تغییراتی در ساخت اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فکری ایران شدند و نهادهایی که در ذیل آن شکل می گرفتند تابعه این مفاهیم بودند و این مفاهیم تابع چگونگی درک و روحان آنها بود. بنابراین می توان علت سرگشتگی و عدم وجود کارکردهای نهادهای مدرن در ایران را به مفاهیم آن نسبت داد. دست یافتن به ساخت ذهن ایرانی دوران مشروطه، می تواند به درک عمیق تری از علل سرگشتگی ها و تضادهای موجود در طول یک صد ساله اخیر منجر شود. با مطالعه آثار این دوران می توان به ساخت ذهن ایرانی دست یافت و آنچه در اینجا اهمیت دارد مواجهه روشمند با این آثار است از میان رهیافت هایی موجود می توان با مواجهه هرمنوتیکی با این آثار به قصد و نیت پدید آورندگان آن پی برد به عنوان مثال می توان از هرمنوتیک روشی قصد مند اسکینر نام برد که رهیافتی برای چگونگی فهم آثار است آنچه منظور نویسنده در این مقاله و هدف رهیافت اسکینر می باشد چگونگی فکر کردن نویسنده یک اثر است این با توجه با عوامل زمینه و زمانه متفکر، چالشها و معضلات و پرسش های زمانه بروز آن فهم می شود. ساخت ذهن نیز با جامعه شناسی معرفت در ارتباط است یعنی حاصل شدن معرفت در ارتباط دیالکتیکی با چارچوب زمانه شکل می گیرد. یکی از مهم ترین آثار دوران مشروطه جهت دست یافتن به ساخت ذهن ایرانی این دوران، روزنامه ها می باشند.

برای روشن شدن تاثیر روزنامه اختر بر پدیده قانون و قانون خواهی باید چند موضوع بررسی شود تا بتوان به درک بهتری از این موضوع رسید:

۱- بررسی زمانه و ساختار داخلی و تحولاتی که از آغاز جنگهای ایران و روسیه تا وقوع انقلاب مشروطه باعث طرح مفاهیم جدید می شد.

۲- بررسی روزنامه اختر که در این بررسی باید سه عامل مهم بررسی شود:

الف: تاریخچه و جایگاه و اهمیت روزنامه اختر در دوران مشروطه

ب: زمینه و زمانه استانبول، محلی که روزنامه اختر در آن چاپ می شد.

ج: مطالعه سر مقاله های این روزنامه جهت دست یافتن به نیت و انگیزه های نویسندگان این روزنامه در جهت فهمی که آنها از قانون داشتند.

۳- تاریخچه، تعریف و وضعیت قانون در ایران



اولین رویارویی ایرانی با مدرنیته و پی بردن به عقب ماندگی خود و پیشرفت غرب به جنگهای ایران و روسیه برمی گردد. در این میان اولین طلیعه کنجکاوی در مورد عقب ماندگی ما و پیشرفت غرب در کلام عباس میرزا به زبان آمده است:

"ای مرد بیگانه . . . مانند موج های خشمگین دریا که در برابر صخره های استوار خرد می شود، تمام کوشش ها و دلاوری هایم در برابر سپاه فالانژ روس شکست خورده است . . . یک مشت سرباز اروپایی تمام دسته های سپاه مرا با ناکامی مواجه ساخته است . . . رودارس که سابقاً همه آن در میان اراضی ایران روان بود، امروزه سرچشمه اش در زمین بیگانه است و به دریا می ریزد که جولانگاه کشتی های دشمنان ماست . . . دلایل پیشرفت شما و ضعف ما کدام است؟"

عباس میرزا اولین دولتمرد روشنفکری بود که به تامل در این موضوع پرداخت و اقداماتی انجام داد . اقداماتی که در زمان عباس میرزا بوجود آمد موجب افزایش عده آگاهان و کسانی که به امور کشوری و بین المللی علاقه ای داشتند گردید . و نیز بین روحانیون و تجار و مغازه داران نوعی انبته پدید آورد .^(۱) ولی پایه اصلی انقلاب، در واقعه رژی و تحریم تنباکو و فتوای تاریخی میرزای شیرازی نهاده شد دقیقاً چهار سال پس از آن ناصرالدین شاه ترور شد و ده سال پس از آن انقلاب مشروطه بوجود آمد با کشته شدن ناصرالدین شاه به دست میرزا رضا کرمانی پیروزی آن تسریع شد .

عوامل مهمی که در ایجاد نهضت مشروطه نقش داشتند علاوه بر بی کفایتی شاهان قاجار، عبارتند از: نقش چهره هایی چون سیدجمال الدین اسدآبادی، سیدجمال الدین واعظ اصفهانی، طباطبایی و بهبهانی، وجود نویسندگان روشنفکری مانند طالبوف، زین العابدین مراغه ای، آقاخان کرمانی، میرزا ملکم خان و میرزا علی اکبر دهخدا، تاسیس مدرسه دارالفنون توسط امیرکبیر، قتل قائم مقام و امیرکبیر، انتشار روزنامه هایی در داخل و خارج از ایران مانند روزنامه قانون (لندن)، عروه الوثقی (پاریس)، جبل المتین (کلکته)، اختر (استانبول)، ثریا (قاهره)، صوراسرافیل (تهران) و نسیم شمال (رشت) که البته دو روزنامه اخیر در دوران استبدادصغیر درخشیدند .

به هر صورت مجموعه این عوامل به صدور فرمان مشروطیت در نهم دی ماه سال ۱۳۸۵ ه.ش، ۳۰ دسامبر ۱۹۰۶ منجر شدند، به طوری که مظفرالدین شاه در همان سال مجلس یکم را در کاخ گلستان گشود و ده روز پس از امضای قانون اساسی (۵۱ اصل)، درگذشت .

۲ الف: تاریخچه و جایگاه و اهمیت روزنامه اختر در دوران مشروطه

"روزنامه هایی که در خارج از کشور به چاپ می رسید و انتشار می یافت تاثیر زیادی بر افکار عمومی می گذاشت آنها مطالبی را چاپ می کردند که جراید داخلی جرات ابراز آن را نداشتند . چنین روزنامه هایی درباره اوضاع ایران آزادانه سخن می راندند و خواهان اصلاحات و نوگرایی در ایران بودند."^(۱) ارتباط میان روزنامه های برون مرزی در ایران و ساختار و تحولات درونی ارتباطی دو سویه بوده است بیداری ایرانیان مرهون روشنگری روزنامه هایی است که در دوره ای طولانی از پادشاهی ناصرالدین شاه و مظفرالدین شاه به زبان فارسی از کلکته تا لندن انتشار یافتند و به انگیزه مخالفت با استبداد حاکم، پنهان به ایران فرستاده می شدند . تاثیر این روزنامه ها از تحول در روابط بین اقصای مختلف مردم تا تغییر در نهادها و پیدایش نهادهای جدید و تغییر در اذهان و افکار را در بر می گیرد.^(۲) بررسی روزنامه هایی که در خارج از ایران از آغاز تا سال ۱۳۲۹ ه.ق به زبان فارسی انتشار یافته نشان می دهد مضامین و اسامی آنها عمدتاً حول و حوش مضامینی چون عدالت، آزادی و قانون قرار دارد.^(۳)

یکی از این روزنامه ها اختر بود که چاپ آن از ۱۶ ذیحجه سال ۱۲۹۲ ه.ق در استانبول پایتخت امپراطوری عثمانی [به مدیریت آقا محمد طاهر تبریزی و سردبیری و نویسندگی میرزا مهدی خان تبریزی] آغاز شد .

افراد روشنفکری چون میرزا آقاخان کرمانی، شیخ احمد روحی، میرزا مهدی خان تبریزی، و میرزا علی محمدخان کاشانی با این روزنامه همکاری می کردند. میرزا آقاخان کرمانی و شیخ احمد روحی بعد از کشته شدن ناصرالدین شاه به جرم دخالت در ترور شاه به دولت ایران تحویل گردیدند و در شهر تبریز و در زیر زمین منزل مسکونی زندانی و بعد از مدتی کوتاه همراه یک تن دیگر به طرز فجیعی کشته شدند. از زمانی که اولین شماره روزنامه اختر منتشر می شود - ۱۳ ژانویه ۱۸۷۶ میلادی - تا امضای فرمان مشروطه - ۳۰ دسامبر ۱۹۰۶ تقریباً سی سال فاصله است. و در این فاصله تحولات مهمی در ایران در حال وقوع بود مندرجات این روزنامه در بیداری افکار و پیدایش مشروطیت نقش عمده ای داشت. به طوری که "ادوارد براون" آن را تنها جریده قابل مطالعه در دوره تیره و تار استبداد دانسته است که مردم را با اوضاع کشورهای درگیر انقلاب و اصلاحات آشنا می ساخت. (۵) به سبب خبرها و مقاله های آگاه کننده روزنامه اختر مدتها تجددخواهان را "اختری مذهب" می خواندند. (۶) این روزنامه تا تاریخ ۱۳۱۳ ه. ق. ۱۸۹۵ میلادی به مدت بیست و دو سال انتشار می یافت.

سرلوحه اختر ساده و شامل نام آن به خط نستعلیق بود که زیر آن سال تأسیس ۱۲۹۲ ه. ق. و نام روزنامه به فرانسه (Lakhter) و در سمت راست، محل چاپ و تاریخ و در سمت چپ بهای روزنامه چاپ شده بود. نام اختر در سالهای نخست به صورت ساده و از شماره هجدهم سال شانزدهم به گونه اصل و برگردان (معکوس) به چاپ می رسید. شماره گذاری صفحه ها از ابتدای هر سال شروع و به آخرین صفحه آخرین شماره همان سال ختم می شد. اختر تصویر نداشت. این روزنامه در دوره ای طولانی در ۴ تا ۸ صفحه با چاپ حرفی (سربی) انتشار می یافت. قطع اختر در سال نخست ۴۷×۳۴ سانتیمتر، در سال دوم ۴۱/۵×۲۸/۵ سانتیمتر در سه ستون و از سال هجدهم به بعد ۲۸×۳۰ سانتیمتر در دو ستون و ۶ صفحه بود.

در بخش عمده ای از حیات این روزنامه خبری-سیاسی، صفحه نخست آن به چاپ سر مقاله ای با عنوان سیاسی اختصاص داشت و در آن رویدادهای سیاسی جهان تفسیر می شد. در صفحات دوم و سوم زیر عنوان "خبرهای تلگرافی" به خبرهای کوتاه داخلی و خارجی و خلاصه ای از ترجمه مطالب دیگر روزنامه های عثمانی یا روزنامه های اروپایی پرداختند. در صفحه آخر نرخ ارز زیر عنوان "صرفیه" به چاپ می رسید. روزنامه اختر در اسلامبول ابتدا یک غروش و از سال سوم شصت پاره تکفروشی می شد. اشتراک سالانه در همان شهر چهار و در دیگر ممالک عثمانی ۵ مجیدی، در ایران ۲۵ قران، در هندوستان ۱۲ روپیه، در روسیه و قفقاز ۱۰ منات (روبل) و در اروپا برابر با ۲۵ فرانک فرانسه بود. بهای اشتراک در سالهای آخر، یعنی سالهای بیست و دوم و بیست و سوم آن تغییری نکرد مگر در مورد ایران که از ۲۵ به ۳۵ قران رسید. آگهی های روزنامه بیشتر مربوط به داخل عثمانی و بسیار متنوع بود. در سرلوحه سالهای نخست بهای آگهی ها را چنین اعلام می کردند: "از اعلانات معموله سطری و آنچه در صفحات اخبار نوشته می شود سطری ده غروش دریافت خواهد شد."

اختر در چاپخانه ای انتشار می یافت که میرزا محمد طاهر تبریزی پیش از نشر روزنامه تأسیس کرده بود. در این چاپخانه علاوه بر اختر، کتابهای بسیاری نیز به زبان فارسی چاپ شده است. اداره اختر در محله "خان والده" بود و آن محله، محل سکونت و تجمع اصلی ایرانیان مقیم اسلامبول به شمار می رفت. طبق آماري که خود روزنامه از مشترکین خود می دهد ۷۸۸ نسخه از روزنامه برای مشترکین ارسال می شده است. به اعتقاد بسیاری از محققان روزنامه اختر و مطالب آن بیشترین تاثیر را در شکل گیری افکار مترقی خواهانه و در نهایت پدید آمدن مطالبات مشروطه خواهانه در جامعه ایرانی آن زمان داشته است. به اعتقاد دکتر گوئل کهن "روزنامه

اختر مطبوعات ایران را از چار چوب تنگ ژور نالیسم دولتی ایران بیرون کشید و باعث تولد ژور نالیسم سیاسی - مردمی شد^(۷) محمدعلی تربیت می نویسد: "اختر در تمام ادوار انتشار خود مشعل فروزان محافل روشنفکران و مرکز اجتماع افاضل و دانشمندان تبعیدشده ایران بود"^(۸) و احمد کسروی نیز بر این نظر است که: "این روزنامه ارجدار و نویسنده گانش کسان با غیرت و نیکی بودند و... در پیش آمد امتیاز توتون و تنباکو گفتارهای مغزدار و سودمندی نوشته اند که یکی از انگیزه های آگاهی مردم آن گفتارها بود."^(۹) فریدون آدمیت می نویسد: "موضوعهای مهمی در آن چاپ شده که در ایران چاپ شدنی نبودند."^(۱۰) قانون چاپ لندن نیز، که در شانزدهمین سال زندگی اختر آغاز به انتشار کرد، در باره این روزنامه نوشت: "روزنامه اختر به دولت و ملت ایران بیشتر خدمت می کند تا هفتاد وزیر اعظم."^(۱۱) اولین کسی که دبستانی بوضع تازه در ایران تاسیس کرد میرزا حسن رشدیه بود و همین علت او را پدر معارف می نامیدند و او خود را پیر معارف می خواند.^(۱۲) به گفته خود رشدیه او با تأثیر از روزنامه اختر، به تاسیس دبستان به شیوه نوین و اصلاحاتی در نظام آموزشی دست زد.^(۱۳) حاجی میرزا حسن رشدیه، طلبه جوانی که در تبریز آن زمان این بخت را داشت که در محضر پدر صاحب دل، با پاره ای از مطالب روزنامه ی اختر آشنا شود، در یکی از شماره های آن خوانده بود: "بی سوادهای اروپا در هزاری ده نفر است و... و با سوادهای ایران در هزاری ده نفر" به شیوه طلبه ها مطلب اختر در محفل پدر به بحث گذاشته شد. از حاصل بحث این نتیجه گرفته شد که باید عده ای از جوانان تحصیل کرده به اروپا بروند و اصول تعلیم آموخته بیایند.^(۱۴) در واقعه تنباکو زمانی که ناصرالدین شاه این قرارداد را بی توجه به افکار عمومی و نظر روحانیون در محیطی که مطبوعات در کنترل دولت بود عملی کرد روزنامه اختر مذاکرات و متن قرارداد را قبل از آنکه بطور رسمی از طرف دولت ایران اعلام گردد چاپ کرد و همچنین نامه سید جمال الدین اسدآبادی به مجتهدان با نفوذ از جمله آیت الله میرزا حسن شیرازی در آن روزنامه چاپ شد.^(۱۵) می توان با تسامح گفت که نهضت تحریم تنباکو با افشاگریهای اختر شروع شد آقا محمد طاهر تبریزی چند ماه قبل از آنکه تالیوت کار خود را در ایران آغاز کند مصاحبه مفصلی با او انجام داد. اختر متن نخستین قانون اساسی عثمانی را ترجمه و در همان شماره های اول منتشر کرد و نخستین مطلب در مورد جنبش چپ جهان به زبان فارسی در آن روزنامه چاپ شده است.

ب: زمینه و زمانه استانبول، محلی که روزنامه اختر در آن چاپ می شد.

"با بررسی کشورهای که در آن روزنامه های فارسی زبان چاپ می شدند می توان به علل زمینه ای آن اهداف این نشریات پی برد. بیشتر این نشریات در هند، مصر، عثمانی چاپ می شدند اینها کشورهای بودند که قبل از ایران جنبش های اصلاح طلبانه در آن ها آغاز شده بود و آزادیخواهان و روشنفکران ایرانی که در این کشورها شاهد رویداد های مربوط به قانون و مشروطه بودند تجربیات خود را از طریق روزنامه ها به ایران انتقال می دادند."^(۱۶) بررسی زمینه و زمانه و تحولات این کشورها، منبع بسیار خوبی برای درک نیت و انگیزه های روشنفکران و مبارزینی است که در این کشورها فعالیت می کردند. این موضوع کمک می کند تا به درکی که آنها از خود، زمانه و مفاهیم جدیدی مانند قانون داشته اند نزدیک تر شد. هر چند مفاهیمی مانند قانون دارای تعاریفی مشترک در نزد روشنفکرانی بود که در مواجهه با عقب ماندگی و استبداد ایران و آشنایی با ساختار فکری، فرهنگی و سیاسی غرب آن راه حل اساسی، معضلات ایران می دانستند اما مطمئناً آنچه روزنامه قانون (در لندن)، حکمت (در مصر) و اختر (در استانبول) از قانون مراد می کردند با هم تفاوت هایی داشته است. هر کدام از نویسندگان این روزنامه ها انگیزه ها و نیت متفاوتی داشتند درک این که آنها چگونه به مفاهیمی مانند قانون، مشروطه و... رسیده بودند یعنی چگونه اندیشه و ذهن آنها شکل گرفته بود. اهمیت

اساسی در فهم انقلاب مشروطه دارد. می توان گفت از منابع مهم درک تحولات بعدی انقلاب مشروطه فهم دقیق این تفاوت ها است. یکی از ملاک های اساسی این تفاوت زمینه و زمانه و تحولات کشورهایی بود که این روزنامه ها در آن منتشر می شدند. به عنوان مثال هند، عثمانی، مصر از کشورهای غیر اروپایی مهمی بودند که در آن روزنامه های فارسی منتشر می شدند تحولات فکری و سیاسی معاصر این سه کشور و ارتباطی که میان فرهنگ آنها و غرب ایجاد شده است و تعاریفی که آنها از مفاهیم جدید داشته اند وضعیت این سه کشور را در زمان کنونی بسیار متفاوت از همدیگر کرده است. فقط خود مورد ترکیه و آینده آن و تفاوت جریان های فکری و چالشها و وضعیت سیاسی، فکری و غیره آن با بقیه خاورمیانه نشان می دهد تا چه میزان زمینه و زمانه این کشورها بر روی روشنفکران و روزنامه نگاران ایرانی می توانسته است تاثیر گذار باشد.

نخستین مرحله اصلاح طلبی در عثمانی در اواخر قرن هجدهم صورت گرفت این اصلاحات تحت تاثیر شکستها و موقعیت نظامی عثمانی بود آنها با آوردن کارشناسان اروپایی به تشکیل لشکر نوینی پرداختند. اولین موج اصلاح طلبی در ایران نیز در پی شکست های ایران از روسیه بوجود آمد عباس میرزا به تقلید از سلطان سلیم سوم به فکر ایجاد "نظام جدید" افتاد. دومین مرحله اصلاحات در عثمانی جنبش تنظیمات است اگر اصلاحات مرحله اول جنبه نظامی داشت در این مرحله اصلاحات بیشتر جنبه ای سیاسی و اجتماعی و اقتصادی پیدا می کند دولتمردان عثمانی با مشاهده بحران ها و عقب ماندگی عثمانی برای جلوگیری از هم پاشیدن امپراطوری عثمانی چاره را در اصلاحات می بینند و سرانجام فرمان تنظیمات (خط همایون گلخانه) به همت مصطفی رشید پاشای اصلاح طلب - که سفیر عثمانی در چندین کشور عثمانی بود - در سال ۱۸۳۹ م. و فرمان اصلاحات در سال ۱۸۵۶ صادر می شود این فرمانها حاوی حقوق امنیت جان، مال، ناموس برای اتباع مسلمان و غیر مسلمان عثمانی بود سرانجام در سال ۱۸۷۶ به علت جو ابرگونبودن این اصلاحات از بالا، مشروطیت اول عثمانی به وجود می آید و نخستین قانون اساسی شرق تدوین می شود. حتی برخی زادگاه خود کلمه مشروطیت را عثمانی می دانند "کلمه مشروطیت بلاشک از مملکت عثمانی آمده و از زمان تاسیس حکومت ملی در استانبول در سنه ۱۲۹۳ قمری و آغاز سلطنت عبدالحمید ثانی با پیشقدمی مصلح نامی آن مملکت، مدحت پاشا، این لغت در آنجا رایج شد. اصل و اشتقاق این لغت بر این جانب مجهول است و گفته اند که از کلمه "شارت" فرانسوی و "چارتا" انگلیسی که حکم قانون اساسی دارد گرفته شده است.^(۱۷) اما مشروطه اول عثمانی فقط پانزده ماه دوام می آورد با سرکوب مشروطه توسط سلطان عبدالحمید برای ۳۳ سال استبداد صغیر عثمانی آغاز می شود می توان در مقایسه با ایران، علت کم دوام بودن مشروطه اول و مدت زیاد استبداد صغیر در عثمانی را به این دلیل دانست که این اقدامات توسط دولتمردان اصلاح طلب عثمانی به رهبری مدحت پاشا صورت گرفت و بیشتر از اینکه همچون انقلاب مشروطه ایران خاصیت انقلابی داشته باشد نوعی کودتا محسوب می شد سرانجام یک ماه پس از آغاز استبداد صغیر در ایران، در ژوئیه ۱۹۰۸ ترکان جوان به دوره استبداد صغیر عثمانی پایان می دهند. همچنان که مشاهده می شود در آن دهه، سه انقلاب مهم در آسیا اتفاق افتاد انقلاب مشروطه ایران ۱۹۰۵، انقلاب ۱۹۰۷ روسیه و انقلاب مشروطیت دوم عثمانی ۱۹۰۸. بررسی روابط میان این انقلاب ها در تاثیری که بر وقوع انقلاب مشروطه داشته اند یکی از منابع جهت کشف ذهن مشروطه خواهان و چگونگی شکل گیری اندیشه آنها و درکشان از مفاهیمی چون قانون است.

در استانبول روزنامه های زیادی به زبانهای مختلف، ترکی، فرانسه، رومی، ارمنی، عربی و بلغاری. چاپ می شد اما اختر اولین روزنامه ی فارسی زبان بود اختر در نخستین سرمقاله خود نوشت: "با اینکه زبان پارسی... امروز هم جزو عمده زبانهای دولت علیه عثمانی است... تاکنون روزنامه ای بدان لسان ترتیب

نشده.^(۱۸) زبان فارسی در عثمانی جایگاه ویژه‌ای داشت هر نویسنده و ادیب عثمانی زبان فارسی را در حد زبان ترکی از جهت خواندن و نوشتن می‌آموخت تا زمان محمود خان ثانی زبان دوم دربار عثمانی، فارسی بود. حضور روشنفکران و فعالین سیاسی ایرانی در عثمانی دلایل چندی داشته است که از مهم‌ترین آنها می‌توان به این موضوع‌ها اشاره کرد: همواره نوعی اختلاف و رقابت میان دربار تهران و استانبول وجود داشته است که باعث می‌شد این شهر جای مناسبی برای فعالیت مخالفین و منتقدین سیاسی ایران باشد. هم مرز بودن عثمانی با ایران و عبور زائرین ایرانی خانه خدا از عثمانی و همچنین قرار گرفتن عثمانی در مسیر راه تجاری ایران و اروپا باعث می‌شد همراه این کالاها، فکر و اندیشه جدید هم وارد ایران شود اما اندیشه‌ای که از مسیر عثمانی می‌گذشت. مبداء آغازین اندیشه‌های جدید غرب بود اما این مفاهیم تا به ایران می‌آمد به صورت‌های متفاوت از مبداء خود تبدیل می‌شد و این تغییر در معنی آن بود تا در ظاهر کلمات، هر چند که پس از ورودشان هم با فهمی که مردم و روشنفکران داخلی از آن داشتند تا به ملکه ذهن ایرانی تبدیل می‌شدند تغییرات دیگری می‌کردند. مردم و روشنفکران داخلی به طور مستقیم با این مفاهیم روبه‌رو نمی‌شدند بلکه آشنایی آنها با این مفاهیم توسط روشنفکران ایرانی بود که به غرب رفته بودند و یا در خارج از ایران بسر می‌بردند آنها هر کدام نیات و انگیزه‌های متفاوتی داشتند و اندیشه‌شان تحت تاثیر عوامل متعددی شکل می‌گرفت به همین خاطر است که جریان‌های فکری گوناگونی در دوران معاصر مشاهده می‌شود آشفنگی و نابسامانی‌های فکری و سیاسی بعد از انقلاب مشروطه را باید در این عوامل جست طیف‌های متعدد فکری میان روشنفکران و روحانیون و درباریان و طبقات مختلف مردم با فهمی که از خودشان در نسبت میان مفاهیم جدید و سنتی برقرار می‌کردند عامل اصلی این کشمکشها بود. سوسیالیسم و لیبرالیسم دو جریان فکری عمده تاثیر گذار بر مشروطه بودند که هر کدام از دو مسیر وارد ایران می‌شدند اندیشه‌های سوسیال دموکراتیک، رادیکال و چپ به طور کلی از روسیه وارد آذربایجان می‌شدند و عثمانی بیشتر انتقال دهنده اندیشه‌های لیبرالی به ایران بود هر چند مسیرهای متفاوتی همچون دریای خزر و خلیج فارس و راههای دیگر وجود داشت که اندیشه‌های جدید به ایران می‌رسیدند هر کدام همچون کاروانی در طی منزلها تحولاتی می‌کردند اما جایگاه آذربایجان در میان این مسیرها منحصر به فرد است آذربایجان دروازه ورود هر دو جریان فکری سوسیالیسم از قفقاز و لیبرالیسم از عثمانی بود. به دلیل وجود همین جریان‌های فکری متنوع است که آذربایجان هم مرکز جریان‌های مسلحانه و هم مرکز تولید اندیشه برای مشروطه می‌شود و در انقلاب نقش پاسداری از مشروطه را ایفا می‌کند مراکز و نهاد‌های که در این دوران در آذربایجان شکل می‌گیرد مانند انجمن‌های ایالتی و ولایتی و گروه‌های سیاسی، فعال‌تر از تهران هستند* در جریان مبارزاتی که در راه تدوین قانون اساسی و متمم آن به عمل آمد رهبر حزب سوسیال دموکرات قفقاز تاثیر بسزایی داشته است.^(۱۹) ورود نمایندگان تبریز به مجلس اول تاثیر اساسی در تدوین قانون اساسی و ضرورت متمم قانون اساسی داشته است اما عثمانی بیشتر انتقال دهنده اندیشه لیبرالی بود روزنامه اختر این افکار را تبلیغ می‌کرد این موضوع برای درک پدیده قانون خواهی و قانون گرایی در ایران بسیار کلیدی است اگر امروز به جریان‌های فکری و قانون اساسی ترکیه و منطقه قفقاز نگاه کنیم می‌توانیم به طور روشن تری این موضوع را درک کنیم قانون اساسی و جریان‌های فکری امروز ترکیه حاصل تحولاتی است که در این قرن صورت گرفته است چشم انداز این کشور با منطقه قفقاز بسیار متفاوت است و روشنفکران ایرانی در این زمینه‌ها صحبت از قانون می‌کردند و اندیشه قانون خواهی‌شان در این زمینه‌های متفاوت شکل می‌گرفت.

* در قرن نوزدهم، کشور عثمانی دچار بحران‌های سیاسی و فرهنگی بود. از لحاظ سیاسی عثمانی در برابر ارتشهای اروپای شکست خورده به سرزمین‌های خود رانده شده بود و بدتر از آن افکار جدید اروپا و تمدن

از رنسانس برخاسته ملل غربی وارد سرزمین های عثمانی می شد. جوانان ترک با دیدن پیشرفتهای علمی و فرهنگی اروپا که منجر به سیادت سیاسی و نظامی آنان شده بود و نسبت به عقاید و آداب اسلامی و فرهنگی خود دچار تردید شده بودند؛ چنانکه بعضی از آنان مسائل دینی و مطالب مذهبی را مانع از وصول به ترقی و تعالی می دانستند و در مقابل جامعه روحانیون ترک، با شدت مانع از اشاعه افکار و عقاید جدید بودند. . . . در چنین شرایطی بود که روزنامه فارسی به نام اختر درخشیدن گرفت.^(۲۰) در خود عثمانی نیز بزرگانی چون عالی شاه، مدحت پاشا و دیگران با ملاحظه شکست و در ماندگی کشور خود به این فکر افتاده بودند که برای پیشرفت در مقابل اروپائیان، باید اصلاحات فراوانی در شیوه های حکومتی و روشهای اداری به عمل آید. کسانی امثال مدحت پاشا برای اصلاحات لازم در سراسر شئون کشور، محدود کردن قدرت سلاطین را در نظر داشتند. صورت اصلاحات این افراد، مبتنی بر محدود کردن قدرت سلاطین، محدود کردن اختیارات شیخ الاسلام و جلوگیری از صدور فتاوی ارتجاعی امیر، به کار گرفتن تشکیلات و تاسیساتی بود که در اروپا معمول شده و نتایج نیکویی بر آورده بود. این تاسیسات و تشکیلات را ترکها از اروپا اخذ کرده و نامی خاص بر آن نهاده، و در خدمت به کار گرفته بودند، آنچه در ایران به صورت نظمی (شهربانی)، بلندیه (شهرداری)، صحیه (بهداری)، عسکریه (نظامی) و امثال آن بعدها معمول شد از همین کارهای اصلاح طلبانه رجال عثمانی بود.^(۲۱)

اهمیت روزنامه اختر که در عثمانی چاپ می شد و در ایران دست به دست می گشت در انتقال افکار آزادی خواهانه و اندیشه های هویت طلبانه بود. همین افکار و اندیشه ها بود که بعدها پایه و مایه خواستهای مردم روشنفکر ایران در جستجوی آزادی و مشروطیت قرار گرفت. بسیاری از واژه های که بعدها در دوران مشروطه بر سر زبان ها افتاد ابتدا در عثمانی مطرح شده بودند رجال ایرانی، که در عثمانی بودند تحت تاثیر این افکار و اصلاحات قرار می گرفتند، که مهم ترین آنها میرزا حسین خان قزوینی است، میرزا حسین خان ابتدا از طرف امیر کبیر در بمبئی هند سمت کنسولی یافت، بعدها ابتدا به تفریس و بعد به استانبول رفت که در استانبول عنوان سفیر کبیر داشت. در دربار عثمانی به علت رفتار متین و درست و هوشمندانه اش مورد اطمینان دولت عثمانی قرار گرفت.^(۲۲) میرزا حسین خان در سال ۱۲۸۸ ه. ق به ایران احضار شد و ناصرالدین شاه، وی را نخست وزیر عدلیه داد و سپس او را صدر اعظم کرد. او در این دوره اصلاحات فراوانی انجام داد مانند محدود کردن قدرت مطلقه شاه، ایجاد ضوابط و قوانین جلوگیری از تجاوزات شاهزادگان و حکام، تشکیل مجلسی مشورتی و انتقال حکومت به تدریج از دستگاه سلطنت به مجامع ملت، خلاصه کرد.^(۲۳)

دوست شخصی میرزا حسین خان قزوینی (سپهسالار) - مدحت پاشا - قانون اساس تازه ای به نام دستور یا دستخط سلطانی انتشار داد و آن را جانشین "تنظیمات حسنه" و مکمل "خط گلخانه" قرار داد. اختر ترجمه فارسی کاملی از قانون اساسی در شماره های سال دوم خود انتشار داد و بعد نیست که این ترجمه به وسیله میرزا انجفقلی که در زبان فارسی و ترکی و عربی قوی بود تهیه شده و در اختیار اختر قرار گرفته باشد. مقاله ای که در تفسیر و توضیح این اقدام انتشار داده بودند مانند سرمقاله روزنامه و وطن تهران، موافق طبع دربار مستبد ناصرالدین شاه نبود.^(۲۴) در نهایت بر اساس کوشش های دولت ایران و به علت سوء ظن سلطان عبدالحمید به فعالیت ایرانیان و کارشکنیهای سید محمودخان علاءالملک روزنامه اختر در سال ۱۳۱۴ ه. ق در محاق تعطیل افتاد و دیگر هرگز منتشر نشد.^(۲۵) پس از تعطیلی روزنامه اختر، مرحوم میرزا مهدی نویسنده اختر بترجمه کتاب ابراهیم بیگ پرداخت و این کتاب را که به زبان انگلیسی نوشته شده و مشتمل بر شرح اوضاع و احوال سیاسی و اداری ایران است پیروسی ترجمه نمود. و چون قادر بر طبع کتاب نبود مرحوم حاجی زین العابدین

تاجر مراغه ای مقیم اسلامبول که از آزادیخواهان و وطن پرستان است مخارج طبع آن را عهده دار گشت و بصورت آبرومندی آنرا منتشر ساخت. (۲۶)

ج: مطالعه سرمقاله های این روزنامه جهت دست یافتن به نیت و انگیزه های نویسندگان این روزنامه در جهت فهمی که آنها از قانون داشتند.

بی شک خوانش مقالاتی که در او ان مشروطه توسط روشنفکران چاپ می شد منبع بسیار خوبی برای شناخت انقلاب مشروطه می باشد این خوانش صرفاً نه به دلیل دادن گونه ای گزارش آماری از این مقالات بلکه آنچه اهمیت دارد خوانش این مقالات در جهت کشف ذهن و نیت و انگیزه های آنها از قانون است. اختر در اولین سرمقاله خود به تاریخ ۱۶ ذیحجه ۱۲۹۲ ه. ق، ۱۳ ژانویه ۱۸۷۶ میلادی به معرفی روزنامه و علت انتشار و اهداف آن پرداخته است اختر در زیر عنوان "روزنامه و گازت" می آورد:

"روشنایی بخش آفاق و مدنیت است و کمال العجواهر آفاق ترقی ملک و ملت. فلک دانش را ماهی است تابان، آسمان هنر را مهری است درخشان، راستی جویان را مجموعه لطائف آثار است، آگاهی خواهان را جریده ی خلاصه افکار تقویم و قایع گذشته و حال است، امنیت افزای سلامت زمان استقبال، گازت که به نیت پاک در خدمت قومی کوشد آن گروه بختیارترین مردم خواهد بود. بدین وسیلت گوی نیکنامی را در کوی انسانیت تواند ربود. گازت به رستگاری و استقامت باشد، جلیس ظریفان پاک ضمیر است و انیس ادیبان آگاه و خبیر، ندیمی است بی مزاحمت، مصاحبی است بی نفاق، مخبری است بی غرض، خادمی است بی ارادت، محرمی است بی خیانت، همدمی است بی ریا، رفیقی است صدیق، ناصحی است مشفق، تاریخی است ناطق و بالجمله آنچه از مزایا و مفاخر آن سخن گویم و از منافع و محسنات آن بشمار درآریم از هزاران یکی و از بسیار اندکی گفته نخواهد شد. . . (۲۷)

نویسنده سرمقاله در بیان علت ایجاد این روزنامه به زبان فارسی در استانبول می نویسد:

"دار السلطنه اسلامبول که امروز به نیک بختی پای تخت یک دولت بزرگ اسلامی است و چشم و چراغ ممالک متمدنه طوائف انام در این مرزوبوم که مجمع بحرین معارف و علوم است به السنه چند و لغتهای گوناگون گازت ها و روزنامه طبع و نشر شده و اهل آن لسانها از مطالعه آنها حصدمند می باشند و باین که زبان پارسی از بهترین و شیرین ترین زبانهای قدیمه موسسه و مستقله است و زبان انبوهی از ساکنان مقطعه مشرق زمین و ملل عظیمه اسلامیان است و زبانی است که در نزد تمامی ملل متمدنه مسلم به مطبوعی است و امروز هم جزء عمده زبان دولت علمیه عثمانی می باشد در همچنان پای تخت سعادتمند، تاکنون روزنامه ای بدان لسان ترتیب نشده و بدین موجب جمعی از پارسی دانان که در اطراف جهانند از درک این چنین نعمت بزرگ نیز محروم مانده و فی الواقع مغبون شده اند چه مبنای ترقیات جهان، خصوصاً در این جزء زمان، به دستیاری اطلاعات و معلومات تواند بود و پس و موازنه حال ترقی و وصول حال تمدن و آسایش عمومی ابنای جنس ممکن نتواند بود مگر به دانستن اوضاع جهان و فهمیدن احتیاجات وقت و معلوم داشتن راه رفع آن احتیاجات و متفرعات آن و چون این پایتخت همچنان که مدار موازنه پولوتیک و آسایش دول و ملل مغرب زمین است کذالک واسطه ظهور کمال ترقیات در ممالک شرقیه نیز بوده بنابراین هرگز روانیست که در همچنان پای تخت معظم اقل یک روزنامه فارسی نباشد که هم فارسی دانان در این ممالک فسیحه را از وقایع و اخبار جهان و از آنچه به کار احتیاجات حالیه می آید به زبان شیرین و دلنشین آگاهی دهد و هم به واسطه مزید روابط مناسبات ملل عظیمه مشرقستان که امروز ما را لازم تر از آن چیزی نیست بوده باشد و بدین وسیلت اسباب پیشرفت هر گونه اتحادات مطلوبه و ترقیات صوریه و معنویه در اقطار مشرق زمین فراهم گردد. (۲۸)"

از آنجا که این مقاله، ظرفیت آوردن همهٔ سرمقاله‌های اختر را ندارد برای آشنایی با نوع بیان و تعاریف اختر به بیان سرمقاله‌های نوزده شماره آن اکتفا می‌شود. مواجهه روشمند با مجموعه کامل این سرمقاله‌ها و تحلیل زبانی این آثار توسط رهیافت‌هایی مانند هرمنوتیک روشی در جهت فهم نیت و انگیزه نویسندگان اختر و در نهایت کشف ذهن آنها می‌تواند موضوع پژوهشی مهم و بنیادی در سطح تحقیقات دانشگاهی در باب انقلاب مشروطه باشد کاری که هنوز به طور جدی به آن توجه نشده است. این مقاله در نوع خود اولین مقاله‌ای است که به این مسائل پرداخته است. می‌شد در میان سرمقاله‌هایی که در طول ۲۲ سال انتشار اختر چاپ شده‌اند سرمقاله‌هایی را انتخاب کرد اما هدف اساسی این مقاله در این بخش بیان تحول و ترتیب مطالب بوده است تا روشن شود سیر اندیشه و اهداف نویسندگان اختر به کجا ختم می‌شده است.

■ ■ ■

■ عنوان سرمقاله شماره دوم: "انسانیت و مدنیت"

[شماره ۲، فی ۱۸ ذی الحجه سنه ۱۲۹۲]

نتیجه: پس مسلماً معلوم است که مبنای کار انسانیت به مؤانست و مدنیت بوده و نتایج و متفرعات این دو اساس بزرگ نبوده است مکرانس و معارضه با همدیگر و تعاون.

■ عنوان سرمقاله شماره سوم: "سخن از سخن"

[شماره ۳، فی ۲۰ ذی الحجه سنه ۱۲۹۲]

سیاست به فتح سین اصلاً تقلید و اهتمام باصلاح امور است و ثانیاً در محاظات امور رعیت و ولایت و حکومت استعمال شده است. و از اینجاست مهتری که تیمار اسبها می‌کند و متوجه امور آنها است سائیس نامیده می‌شود و مأخذش تربیت کردن است.

■ عنوان سرمقاله شماره چهارم: "سخن از تربیت فرزندان"

[شماره ۴، فی ۲۱ ذی الحجه سنه ۱۲۹۲، ۱۸ ژانویه سنه ۱۸۷۶]

■ عنوان سرمقاله شماره پنجم: "مناسبات داخلیه و خارجیه انسانها"

[شماره ۵، فی ۲۲ ذی الحجه سنه ۱۲۹۲، ۱۹ ژانویه سنه ۱۸۷۶]

هر کدام از افراد انسانهای متمدن برای حفظ حیات، و زندگانی و امنیت و شرف و ناموس خود وظایف و تکالیف چند دارند [هدف از این مقاله] در خصوص امکان و عدم امکان امتزاج ملل شرقیه با اهالی مغربستان و مانع بودن و نبودن اختلاف اجناس و ملیت و طبیعت و اخلاق و خصوصیات دیانت آنها سخن درآیند. [در این سرمقاله از تکلیف انسان سخن گفته شده است] چنانکه تکلیفی که انسان را در حالت تنهایی در خانه خود هست غیر تکلیفی است که در نزدیک مهمانی دارد و وظیفه که او را با عیال خود هست غیر وظیفه ایست که با خدام دارد می‌توان گفت که در فرنگستان از ما بهتر با این نکته ملتفت شده‌اند و حدود این کار را معین کرده‌اند

■ عنوان سرمقاله شماره ششم: "اعتدال و استقامت"

[شماره ۶، فی ۲۳ ذی الحجه سنه ۱۲۹۲، ۲۰ ژانویه سنه ۱۸۷۶]

اعتدال و عدالت بطور مطلق حاکم بر تمامی اخلاق نیکو و صفات پسندیده است. مبداء سعادت و خوشبختی ماست و ضامن تعیش و زندگانی ما امنیت ما را بجز از عدل و اعتدال چیز دیگر کافی نیست و وطن ما را بجز عدالت و استقامت مربی دیگر نی، شرف و افتخار ما بعدالت حاصل است و بقا و دوام آبرومندی و ناموس ما را عدالت و استقامت کافل، جهان انسانیت بعدل و داد معمور است عالم مدنیت با استقامت و عدالت آباد.

■ عنوان سر مقاله شماره هفتم: "راستکاری و نیک بختی"

[شماره ۷، فی ۲۵ ذی الحجه سنه ۱۲۹۲، ۲۲ ژانویه سنه ۱۸۷۶]

درجه اعتدال حال یک ملک و جمعیتی بسته با اندازه استقامت اطوار و اعتدال معاملات اجزای آن ملک و جمعیت است اجزای یک ملک هر قدر اطوار و رفتارهای خودشان را به مقام اعتدال نزدیک تر کنند حال آن ملک و وطن بهمان نسبت بسعدت و نیک بختی نزدیک تر خواهد بود. پس اول چیزی که باید در تعمیم و استقرار آن برای حصول سعادت دائمه خودمان و جبهه همت خود سازیم این است که خیالات و اندیشه های خودمان را چه در امور شخصیه و ذاتیه خودمان و چه در کارهایی که متعلق با افراد و احاد انسان هاست با اختلاف و مقادیر تعلقها همه را بقاعده عدل و حقانیت و انصاف تطبیق کرده و جمله همشربهای خودمان را نیز بنام مدنیت و انسانیت بطور مطلق با این مسلک مستقیم دعوت نماییم . . . جای افسوس است که ما با اینکه همه عیبه و نقصانها را که در همه کارهای خودمان و وطنهای خودمان داریم و مثل اینکه اجزای این وطن ما نیستیم و این کارها هیچ ربطی بعالم ما ندارد می بینیم و نیز لزوم رفع و اکمل آنها را در مرتبه نخستین می فهمیم و گذشته از این رأی العین مشاهده می کنیم که همسایه های ما بمراتب ترقیات ساعت بساعت می افزایند و کار ترقی را بالای می برند. دولت روح وطن است هیئت مجموعه اهالی و ملت جسدان است . . .

■ عنوان سر مقاله شماره هشتم: "جان روابط راستکاریها"

[شماره ۸، فی ۲۷ ذی الحجه سنه ۱۲۹۲، ۲۴ ژانویه سنه ۱۸۷۶]

■ عنوان سر مقاله شماره نهم: "اتفاق در کارها به فراخور اهمیت"

[شماره ۹، فی ۲۸ ذی الحجه سنه ۱۲۹۲، ۲۵ ژانویه سنه ۱۸۷۶]

■ عنوان سر مقاله شماره دهم: "دانش و آگاهی"

[شماره ۱۰، فی ۲۹ ذی الحجه سنه ۱۲۹۲، ۲۶ ژانویه سنه ۱۸۷۶]

امروز برای نگاه داشتن حال سعادت و نیک بختی اکنونی، و امیدواری باطمینان از آینده خواه زاده گان و اخلاف خود باید وضع و موقع خود را ببینیم. و احتیاجات حال حاضر را که داریم از روی حقیقت بفهمیم . . . اعتقاد می کنم در این موقع برای فهمیدن احتیاجات و راه رفع آنها چیزی را که نخستین درجه لازم داریم علم و اطلاع است. زیرا که علم و اطلاع کافل تمام سعادتهاست و دانش و آگاهی ضامن هر گونه نیک بختی و نیک نامی است. . . . توایم گفت احتیاجات ما بی حد و بی پایان است. پس نیازمندی بعلم و اطلاع نیز باید بی پایان باشد. . . در حالیکه سخن از صلح و صلاح عمومی در میان است دلهای ایشان را اگر بشکافیم (وزرا و سفرای دولت ها و حکومت ها) می توانیم دید بترتیب اسبابی که ربط بعالم صلح و صلاح و موازنه آسایش مشترک ند در سال گذشته بعض دولتهای بزرگ برای تاسیس نظامات و قوانین جنگ تکلیف بدول فرنگستان کردند که یک مجلس عمومی در این باب منعقد شود و این تکلیف را مبنی بر دائمی داشتن حکم صلح و صلاح عمومی داشتند.

■ عنوان سر مقاله شماره یازدهم: "بنیاد سعادت و نیکنامی"

[شماره ۱۱، فی ۳۰ ذی الحجه سنه ۱۲۹۲، ۲۸ ژانویه سنه ۱۸۷۶]

آبادی یک ملک را بنیاد چیست . . . تعیش و امنیت را ملتها به چه راه دست آورند؟ . . . این یک چیز همانا علم و حکمت است

■ عنوان سر مقاله شماره دوازدهم: "آزادی افکار"

[شماره ۱۲، فی ۲ محرم سنه ۱۲۹۲، ۲۹ ژانویه سنه ۱۸۷۶]

دانش و حکمت، که بنیاد سعادت‌تمندی و نیک‌نامی است و اساس حسن انتظام امور امم، و اعتدال حال این جهان خاکی را کافی است و نیک‌بختی ما را در هر مقامی نماینده. راهنمایی تواند کرد ما را با اینکه یکی از اسباب ترقی مدنیت، و حسن انتظام حال جمعیتها. و دفع مکاره و حصول مقصود حقیقی از این انسانها همانا حریت و آزادی افکار است و رهایی از اسیری و قیودات شخصیه و اسیر بهای غرضهای نفسانی و منفرده که باعث شده است هم‌تباهیهای ما را نوعاً و شخصاً... پس حر باید بود و آزاد باید شد. لکن از آنجان حریتی که ما را از جاده استقامت و اعتدال بیرون نکند کار اگر بعلم و دانش باشد و از روی آگاهی و بصیرت دیده شود همان اعتدال و استقامت که آنرا حاکم مطلق بر اخلاق حسنه و صفات ممدوحه دانستیم در همین معنی آزادی نیز حاکم خواهد بود.

■ عنوان سرمقاله شماره سیزدهم: "آزادی و حریت"

[شماره ۱۳، فی ۴ حرم سنه ۱۲۹۲]

آزادی افکار را یک‌دفعه در حق یکان یکان انسانها ملاحظه کنیم و نخستین حکم آنرا در اطوار و آداب و اخلاق خودمان چه از جهة شخصیات و چه از جهت ربط و تعلق آنها بخارجها یعنی از بابت معاشرت‌ها که بابنای جنس و هم‌وطنهای خودمان به طور مطلق داریم... دولت‌ها حکومت‌ها برای محافظه حقوق مدنیت و نگاهداری روابط افراد ملت و حصول امنیت کلیه وطن و جلب منافع نوعیه ملک و دفع مکاره از هیئت اجتماعیه و برای تعمیم آثار عمران و آبادی و اکمل نواقص مملکت... در هر قطری از اقطار جهان قانون‌ها و نظامات و یاساها گذاشته و طوعاً و کرها اجزای آن ملک و قطر را مدیون بحفظ و تبعیت قوانین و یاساهای مذکور نموده اند که آن قانون‌ها هم شعبه‌ها دارد از ملکی و عسکری و حقوقی و جنایی و داخلی و خارجی و مانند اینها... قوانین که با آزادی گذشته شده است. با آزادی باید اجرا شود. محاکمات علنی باشد اجراءات بدون استثنا عات بشود هرگونه حقوقی را بطور مساوات رعایت کنند و مع ذالک مقام هر کسی معین و اعتبارات بنسبت شرافتها ملحوظ کرد...

■ عنوان سرمقاله شماره چهاردهم: "اساس وظیفه انسانیت"

[شماره ۱۴، فی ۵ محرم سنه ۱۲۹۲، ۱ فوریه سنه ۱۸۷۶]

مقام بلند انسانیت و شرافت خلقت و کرامت آفرینش آدمی را سزاوار است که پس از شناختن خود مانع خود و آگاهی از مراتب استعداد و قابلیت که در نهاد خود برای همه چیز و همه کمال و همه هنر و همه نیکبها سراغ دارد برای حصول تکالیف مصنوعیه و شخصیه خودمان برای امور معاشیه و زندگانی که شعبه ایست از علم ابدان طبعاً و ضروره محتاج به تمدن و زندگانی بجمعیت هستیم... اهالی اروپا این تکلیف را فهمیده اند... افسوس باید خورد از اینکه اهالی و ملل متمدنه مشرق زمین با همه استعداد فطری و قابلیت خلقی که دارند... تاکنون تکلیف خود را در این باب معین نکرده اند و حدود و وظایف رانه اساساً و نه فرعاً مشخص ننموده اند. مثل اینکه مادر عالمی هستیم. غیر این عالم و در خاکی هستیم سوای این خاک و بشری هستیم ماورای این بشرها و ماها را انس و آمیزش با کسی در کار نیست...

■ عنوان سرمقاله شماره هفدهم: "قانون‌ها و شریعت‌ها"

[شماره ۱۷، فی ۱۲ محرم سنه ۱۲۹۲، ۸ فوریه سنه ۱۸۷۶]

قوت با اتفاق و اتحاد حاصل شود. ضعف و سستی از نفاق و اختلاف خیزد انسان مدنی بالطبع است... [برای آن] تدابیر و اساسها را بقوانین و شرایع و نوامیس و نظامات و یاساها و آداب و اخلاق و غیر اینها... و عمومی اهالی را گفته اند که حاکم بر شما و زندگی شما بطور تعاون... و کافل امنیت و سعادت و شرافت

و افتخار شما و اطاعت باین قوانین عادلانه است . . .

■ عنوان سرمقاله شماره هجدهم: "قانون - شریعت"

[شماره ۱۸، فی ۱۳ محرم سنه ۱۲۹۲، ۹ فوریه سنه ۱۸۷۶]

حاکم مطلق در عالم مدنیت . جز شریعت و قانون عادلانه چیز دیگر نیست ، شریعت و قانون در عبارت است که معنی آن را باید بدانیم و حکم آنها را در هر جایی بطور یکه اقتضا کند مجری بداریم . شریعت در لغت عرب راه راست و آشکار را گویند . . . و شریعت به معنی سنت و عادت است که موافق احکام مقرر جاری شده باشد . قانون در لغت مقیاس هر چیزی را گویند . که با آن قیاس و اندازه هر چیزی معلوم گردد و گفته اند این لفظ اصلاً سریانی است . . . اکنون اگر بطور آگاهی و حقیقت جویی تاملی کرده و کورکورانه سخن گفتن را بر خود جائز نداریم بر ما لازم است که مناسبات حاضره خودمان را تکالیف تعیش و زندگانی را ک شرعاً و عقلاً بحکم انسانیت و مدنیت و بر حسب اقتضات طبیعی داریم تصور کرده . . .

■ عنوان سرمقاله شماره نوزدهم: "راستی و آزادی"

[شماره ۱۹، فی ۱۴ محرم سنه ۱۲۹۲، ۱۰ فوریه سنه ۱۸۷۶]

عدل و راستی نگاه دارنده قانون هاست . عدل را دانستن تعالی خداشناسی است . . . جان قانون ها عدالت است . نتیجه یاساها و شریعتها و عدل و راستکاری است . عدل را در فارسی بداد تعبیر کنند عدل جور نکردن و اجرای امر و حالتی است که در نفوس و عقول استقامت آن قائم باشد . عدل بمعنی موازنه است . . . قانونی که از روی عدل و استقامت گذاشته شده ، و از روی عدل و استقامت استعمال بشود کفالت جمله سعادتها و سلامت ها و شرافتها را تواند کرد . . .

تاریخچه، تعریف و وضعیت قانون در ایران

کلمه دات در فرس قدیم هخامنشی و اوستا به معنی قانون است و همین کلمه در فارسی تبدیل به «داد» گردیده است کلمه داتیک ، منسوب به دات به معنی داد و عدل است . * در کتاب اردویرافنامه از کلمه قانون نام برده شده است^(۲۹) قبل از حمله اسکندر و در زمان هخامنشیان ، مغان و پیشوایان دینی مجری قانون و دادگستری بودند .^(۳۰) این موضوع که ایرانیان باستان چه فهمی از قانون داشتند و جایگاه مردم و حاکم و محکمه ها چگونه بوده است و منشا پیدایش این حقوق بر اساس چه مبانی بوده است می تواند موضوع پژوهش مستقلی قرار گیرد بررسی تاریخ قانون در ایران از زمان باستان و پس از اسلام ، فهم قانون خواهی معاصر ، امکان ها و چالشهای آن را عمیق تر می کند چرا که قانون واژه ای نیست که در سنت فکری ایرانی مهجور باشد قانون ارتباط مستقیمی با تمدن دارد . پس از اسلام متفکرین و فیلسوفان و فقیهان ایرانی نسبت به حقوق بی توجه نبوده اند خود فقه با قانون تعریقی می شود فیلسوفان و متفکرین نیز از این مباحث دور نبوده اند می توان بخش عمده و اساسی آثار آنها را در ارتباط با منشا و پیدایش حقوق ، انسان و . . . دانست . اما با ورود به دوران مشروطیت ما با مباحث و مفاهیمی روبه روی می شویم که هر چند از نظر اسمی در فرهنگ ایرانی ناآشنا نیست اما انگیزه هایی که باعث طرح آن می شوند در تاریخ فکری ایرانی واقعه ای تازه و منحصر به فرد است . این انگیزه ها ، انگیزه هایی جدید است که از حقوق انسانی و جایگاه انسان و حکومت و بنیادی تر از آن از حقوق انسان صحبت می شود روشنفکران دوران مشروطه با زمینه ای که از آغاز جنگ های ایران و روس شروع شده بود و آشنایی که با غرب پیدا کرده بودند به فکر اصلاحات در ایران افتادند رساله ها و مقاله های آنها بعضاً شبیه مقالاتی است که در دوران روشنگری در اروپا نوشته می شد اما ذهن آنها از این تعاریف

بسیار دور بود آنها از این کلمات و جملات استفاده می کردند اما نهایتاً در همان پارادایم قبلی با انسان شناسی، معرفت شناسی، نظام ارزشهای سابق می اندیشیدند این موضوع یا باعث می شد که آنها این مفاهیم را توجیه شرعی و ایرانی کنند و یا بمب تسلیم در برابر این مفاهیم منفجر می کردند و یا از ترس از دست دادن آنچه خود داشته اند در میان چار دیواری گذشته خود را محبوس می کردند. در دوران مشروطه، طیف های گوناگون گرایش های فکری در میان روشنفکران و مبارزین مشاهده می شود هر چند وجود این تنوع فکری نمی تواند نقصانی تلقی شود همچنانکه در انقلابات کشورهای دیگر نیز ما این تنوع را می بینیم این موضوع خاصیت انسانی و فکری دارد، اما آنچه اینجا اهمیت دارد نوع این تنوع است در همان فردای جشن پیروزی مشروطه کشمکش میان طبقات و گروه ها شروع شد حوادثی که یک دوره بی نظمی و آشفتگی را به بار آورد و مجموع این حوادث باعث شد از خود مشروطه و مفاهیمی مانند قانون، آزادی، عدالت و غیره فقط کلمه ای باقی بماند و نهایت این آشفتگی سیاسی و اجتماعی با حضور نظام سیاسی مقتدری که خود روشنفکران از حامیان آن بودند پایان یافت. هر چند موقیعت ایران و قرار گرفتن بر سر چهارراه حوادث، اذهان ایرانی را همواره ترکیبی از فرهنگ ها و فکرهای گوناگون کرده است اما مواجهه با غرب دارای خصوصیتی بود که مواجهه های پیشین آن خصوصیات را نداشتند به همین خاطر است که ذهن ایرانی از آغاز این مواجهه تا دوره کنونی به آرامش دست نیافته است. رویارویی با غرب، رویارویی دو پارادایم متفاوت فکری بود. پارادایمی که در مبانی اساسی اندیشه - انسان شناسی، معرفت شناسی (عقلانیت و مبانی معرفت شناسی)، نظام ارزشها - با یکدیگر تفاوت داشتند متفکرین دوره مشروطه متوجه این موضوع نبودند و تحت تاثیر ترقی اروپایان و جامعه آشفته و عقب مانده ایرانی در فکر تطبیق آنها با مبانی فکری ایرانی بودند همچنانکه میرزا ملکم خان از افراد مهم در بحث قانون خواهی و قانون گرایی در ایران به اندیشه قانون خواهی خود جنبه شرعی می داد "ملکم در دوره ای از زندگیش همه نوع تلاشی را برای سقوط سلطنت ناصرالدین شاه به کار می برد و با شناختی که از اندیشه ی سیاسی شیعی در باره حکومت داشت بر اساس همین تضاد بین ملت و دولت، روحانیون و مسلمانان را بر می انگیزخت که حکومت عرفی را از میان بردارند و حکومت شرعی را به زعامت میرزا حسن شیرازی بر پا دارند."^(۳۱) نوشته های او در روزنامه ی قانون نمونه بارزی از آشفتگی فکری متفکرین ایرانی و فهمشان از مفاهیم جدید است. در همین روزنامه ی قانون او، به صراحت نوشته می شد: "رئیس روحانی ملت باید خیلی بالاتر از شاه باشد... او در یکی از شماره های قانون در نقد سلطنت قاجار از همین اختلاف عمیق و کهنه ای که بین شریعت و حکومت عرف در تلقی سیاسی شیعه وجود داشت این گونه سخن گفت: "موافق مذهب شیعه سلطنت حالیه ایران خلاف اصل اسلام و شاه غاصب است."^(۳۲) ملکم خان از طریق همین روزنامه قانون به اندیشه ی قانون خواهی در نظام مشروطیت چنان ماهرانه جنبه شرعی داد و زمینه ای برای "مشروعیت" آن فراهم آورد که چند سال بعد روحانیون "مشروطه خواه" بر اساس همان زمینه، به مشروعیت دادن نظام مشروطیت برخاستند. و برای یک نظام کاملاً غیر مذهبی، زمینه ای مذهبی و بیانی شرعی به دست دادند "ملکم در رساله های اولیه خود، در لزوم اخذ شیوه حکمرانی غربی دلایل می آورد. اما بعدها، عمدتاً از زمان انتشار قانون به بعد صریحاً از این اصول و مبانی ضرورت اخذ شیوه حکومت غربی، عدول کرد و آن شیوه ی تفکر را "جهالت" نامید و راه نجات را در اسلام خلاصه کرد."^(۳۳)

جهت درک بهتر آنچه جنبش قانون خواهی دوران مشروطه نام گرفته و با فرمان مشروطیت و تنظیم قانون اساسی خاتمه یافته است باید ابتدا به مباحث قانون شناسی پرداخت این مباحث کمک می کند تا آشفتگی های ذهن کسانی که یا در رساله و یا در روزنامه از قانون سخن می گفتند بهتر درک شود. همچنانکه عناوین و

محتوی سرمقاله های اختر نشان می دهد سیر مباحث به سمت قانون خواهی و حقوق اساسی است تأثیری که این مباحث در میان مردم و روشنفکران داشته است غیر قابل انکار است که ما در بخش اهمیت و جایگاه روزنامه اختر به آن پرداخته ایم آنچه در این بین اهمیت دارد فهم آنها و جایگاه مفهوم قانون در سپهر ذهن نویسندگان روزنامه اختر و هر روزنامه نگار و رساله نویس دوران مشروطه است. "قانون شناسی، مجموعه مباحثی است که درباره ماهیت قانون و مقاصد آن، و درباره وسایل مادی و معنوی برای تحصیل این مقاصد، و درباره حدود تأثیر قانون، و رابطه قانون با عدالت و اخلاق، و در پیرامون چگونگی تغییرات و رشته تاریخی قانون بحث می کند." (۳۴) صحبت از قانون در حقیقت وارد شدن به نظریه "حق می باشد می توان منشأ و پیدایش حقوق را چهار عامل دانست: "ذات باری تعالی (نظریه الهی)، ذات طبیعت (نظریه حقوق طبیعی)، ذات انسان (نظریه فردی)، ساخته دست دولت (نظریه دولتی مانند طرفداران حکومت مطلقه - ژان بدن ۱۵۱۶ - ۱۵۳۰)، هابز (۱۵۸۸ - ۱۶۷۹)، بوسوئه (اواسط قرن ۱۷) و یا نظریه های دولتی مربوط به حاکمیت مانند سوسیالیسم با انواع مختلف آن مانند - سوسیالیسم اخلاقی، رفرمیست با دو نمونه انگلیسی و فرانسوی، کمونیسم - آنارشیزم، فاشیسم، ناسیونال سوسیالیسم و یا نظریه های اجتماعی و تعاون مانند آگوست کنت، امیل دورکیم، لئون دوگی اشاره کرد. (۳۵)

"حقوق به دو شاخه اصلی تقسیم می شود حقوق طبیعی و حقوق موضوعه در حقوق طبیعی صحبت از یک سلسله قوانین است که بطور دائمی و همگانی وجود دارد. حقوق موضوعه از مجموع قوانین الزام آوری صحبت می کند که توسط افراد بشر در دو زمینه شخصی و نوعی وضع می گردد موضوع حقوق موضوعه شخصی، قدرت و امتیازی است که به موجب قانون به افراد داده می شود مانند حق مالکیت. حقوق موضوعه نوعی، شامل یک رشته قوانین الزام کننده حاکم بر مناسبات اجتماعی در زمان و مکان معین است قوانینی که به دو حوزه حقوق عمومی و حقوق خصوصی تقسیم می شود. رابطه حقوقی دو شخص با همدیگر موضوع حقوق خصوصی می باشد مانند حقوق مدنی، حقوق تجارت و... در حقوق عمومی رابطه دولت با ارگانهای داخلی و یا با دولت های دیگر بررسی می شود. در اینجا یک طرف رابطه حقوقی حتماً دولت است. و طرف دیگر یا با دولت دیگر است که آن را حقوق بین المللی عمومی می نامند و یا سازمانها و اشخاص داخلی می باشد که آن را حقوق عمومی داخلی می نامند که این حقوق شامل چهار شاخه اصلی است: حقوق اساسی، حقوق اداری، حقوق مالیه، حقوق جزایی. در حقوق اساسی رابطه سیاسی دولت را با ارگانهای داخلی از یک طرف و با مردم از طرف دیگر مرتب می سازد. "حقوق اساسی هر کشور حاصل مدنیت و تاریخ و بزرگ ترین سند زندگی سیاسی و اجتماعی آن ملت محسوب می شود. که حدود اقتدارات و اختیارات دولت مستقر در آن کشور و مردم تابع آن کشور را مشخص می کند. (۳۶) منابع عام حقوق اساسی: قانون اساسی، قوانین عادی، عادات و رسوم، احکام و فرامین روسای کشورها، دکترین یا فتوای علمای حقوقی می باشد. (۳۷) شاخه اصلی دیگر حقوق، همچنانکه اشاره شد حقوق طبیعی می باشد این حقوق شامل: ۱- حق آزادی - آزادی های مربوط به اعمال فردی مانند امنیت، آزادی و مصونیت مسکن، نامه ها و مکاتبات، آزادی در رفت و آمد ۲- آزادی اندیشه و تفکر مانند آزادی عقیده و مذهب، آزادی آموزش و پرورش، آزادی اخبار و اطلاعات، آزادی نمایش ۳- آزادی های تجمع و گروه بندی مانند گروه بندی های دائمی و یا موقت ۴- آزادی های اقتصادی و اجتماعی مانند مالکیت، آزادی بازرگانی و صنعتی، آزادی کار، آزادی سندیکاها - آزادی های ناشی از اجرای عدالت مانند حق دادخواهی، منع توقیف و بازداشت افراد، علنی بودن محاکم، رسیدگی هیئت منصفه، منع اقرار توأم با اکراه و اجبار، منع تجسس خانه و مسکن، منع

مجازات های شدید، حق داشتن وکیل . (۴۸)

*نظریه حقوق طبیعی (حقوق فطری) حقوق ناشی از طبیعت و فطرت است که قواعدش عام و تغییر ناپذیر است و مقدم بر حقوق و قوانین موضوعه است. رابطه دولت و حکومت با حقوق طبیعی در محترم شماردن آن و قرار دادن مبانی قوانین موضوعه بر این اصول است. (۴۹) نظریه حقوق طبیعی در نظر فلاسفه قدیم و فلاسفه و متفکرین قرون ۱۷ و ۱۸ و بسیاری از صاحب نظران دیگر مفهوم واحدی ندارد که می توان از نظریه های متفاوتی چون حقوق طبیعی در نزد فلاسفه قدیم، حقوق طبیعی در نظر الهیون مسیحی، حقوق طبیعی در نظر الهیون مسلمان، حقوق طبیعی در نظریه جدید اشاره کرد. این تقسیم بندی های حقوقی با همدیگر ارتباط تنگاتنگی دارند همه در یک چارچوب قرار دارند در مواجهه با آثار دوران مشروطه که از مفهوم قانون نام می بردند باید پرسید که آنان چه تعریفی از این تقسیم بندی ها داشته اند آنان اگر از حقوق اساسی و ضرورت وجود نهادهای جدیدی چون مجلس و یا کنترل قدرت سلاطین و حق مردم سخن می گفتند چه فهمی از حقوق طبیعی داشتند. در میان سیر تطوری که مفهوم حقوق طبیعی در اندیشه غرب از یونان تا دوران جدید داشته است آنان از آن، چه می فهمیدند، آیا از مفهوم حقوق طبیعی در اندیشه اسلامی - ایرانی باخبر بودند چه ارتباطی میان حقوق طبیعی اسلامی - ایرانی با قانون موضوعه و حقوق اساسی برقرار می کردند، آیا آنان درک روشنی از این مباحث داشتند و یا در پی ایجاد حقوق موضوعه غربی بودند در حالیکه در حقوق طبیعی آن که زیر بنا این حقوق بود تامل نکرده بودند. در سنت اسلامی - ایرانی از زمان پیامبر، تافیلسوفان مسلمانی چون فارابی، ابوعلی سینا، محمد غزالی، ماوردی، بغدادی، ابن جماعه، خواجه نصیرالدین طوسی، خواجه نظام الملک، ابن مقفع، ابونصر مشکان مسعودی، ابن خلدون در مورد رابطه حکومت و فرد و موضوعاتی دیگری که مربوط به این بحث است مباحثی بوده است. تعاریفی که آنها داشتند بر اساس انسان شناسی، معرفت شناسی و نظام ارزشهای خاص خود بود. آنان (مشروطه طلبان) چه ارتباطی با این تعاریف برقرار کرده بودند. آنچه که در مورد قانون شناسی آمد ریشه در رنسانس و نوازش حقوق اساسی در اواخر قرن ۱۸ و آغاز قرن ۱۹ اروپا دارد این قوانین برای انقلابیون این دوران متضمن نوآوری و دگرگونی و استقرار حقوق و آزادی های فردی و حکومت دموکراتیک بود. (۴۰) در بخش زمینه و زمانه استانبول به دو جریان فکری قفقاز و عثمانی اشاره کردیم که در تدوین قانون اساسی نقش داشتند اما هر یک از این دو جریان فهمی که از قانون داشتند در دیالکتیک میان چندین عامل که به آن اشاره شد شکل گرفته بود مجموعه این حوادث به تدوین قانون اساسی و تشکیل مجلس انجامید توجه به قانون اساسی و منابع داخلی و خارجی آن می تواند این جریان کاوی را روشن تر کند چهار سند اصلی تشکیل دهنده پایه های حقوق اساسی مشروطه ایران می باشند این چهار پایه اوایل قرن بیستم و متعاقب انقلاب مشروطه به وجود آمدند: ۱- سند فرمان شاهانه بود که روز ۵ اوت ۱۹۰۶ صادر شد. ۲- قانون اساسی مورخ ۳۰ نوامبر سال ۱۹۰۶ بود که کمیسیون مرکب از اعضای برگزیده مجلس و شاه آن را تدوین کرد. ۳- متمم قانون اساسی مشروطیت ۴- قانون انتخابات مورخ ۴ نوامبر ۱۹۱۱، اصل رای گیری همگانی در تهران تعیین شد. (۴۱) دو متن قانون اساسی اروپایی تاثیر بسزایی در تهیه قانون اساسی ایران داشته اند. ۱- قانون اساسی سال ۱۸۳۰ فرانسه (پیمان نامه ای که بین لوئی فیلیپ پادشاه وقت این کشور و ملت فرانسه به امضاء رسید). ۲- قانون اساسی مورخ ۷ فوریه سال ۱۸۳۱ بلژیک (این قانون بدون کوچکترین تردید ماخذ واقعی متن قانون اساسی ایران گردید. چون تعداد کثیری از مشاوران بلژیکی که مدت ها قبل از شروع مشروطه در سطوح بالای مشاغل این کشور نظیر گمرکات و امور اقتصادی کار می کردند یکی از دلایل گرایش ایرانیان به سوی قانون اساسی بلژیک بوده است. (۴۲) همچنانکه

که مشاهده می شود آنچه امروز تقابل سنت و مدرنیسم نامیده می شود و گاه در ذیل شکست حرکت های اصلاح طلبانه به آن پرداخته می شود با نگاهی به این پیچیدگیها بیشتر قابل درک است در این بین آنچه می تواند کمک کند تا وضعیت خود و آینده قانون خواهی را در بایم بیشتر از آنکه دادن پاسخ به این پیچیدگیها باشد طرح پرسشهایی اساسی از شکل گرفتن این پیچیدگیهاست. جریان های فکری و سیاسی متفاوتی که در پیروزی مشروطه و تدوین قانون اساسی نقش داشتند چه تعریفی از حقوق طبیعی و اساسی داشته اند و منشاء این حقوق را در کجا می دانسته اند؟ هر چند آنها در تدوین قانون اساسی از متن قانون اساسی دو کشور اروپایی استفاده کردند اما فقط قوانین را آوردند بخاطر همین است که از مشروطه و قانون فقط کتابی و ساختمانی می ماند مشروطه طلبان و آژة آزادی و قانون را به دنبال کلمه عدالت درک می کردند به همین خاطر است که جنبش مشروطه خواهی به دنبال جنبش عدالت خواهی به وجود می آید در حالی که آنچه آنها قانون و مشروطه به شیوه غربی می نامیدند دارای تعاریف خاصی در مبانی اساسی آنها بود. جایگاه انسان در قانون اساسی غربیها متفاوت بود با آنچه روشنفکران و روحانیون مشروطه خواه می فهمیدند مشروطه طلبان به دنبال آوردن شیوه حکومت و قانون اروپایی بودند اما این نهادها را بر بستر همان مبانی فکری موجود استوار می کردند و گاه دچار این بدفهمی می شدند که آنچه اروپایی در دوران روشنگری و رنسانس به آن دست یافت و در طی تاریخ قرون ۱۸ و ۱۹ خود با انقلابی که در همه زمینه ها ایجاد کرده بودند به آن رسیدند در سنت دینی و فکری ما بوده است و آنها آن را می خواهند احیا کنند در حالیکه قانونی که آنها می گفتند همان قانون و عدالتی بود که در سنت فکری و دینی در ذیل مسئله عدالت وجود داشت پارادایم معرفتی که جایگاهی که برای انسان، عقل تعریف می کرد بسیار متفاوت بود با آنچه در اروپا اتفاق افتاده و موجب تدوین قانون اساسی سال ۱۸۳۰ فرانسه و قانون اساسی مورخ ۷ فوریه سال ۱۸۳۱ بلژیک شده بود. در دوران مشروطه در کنار فهم و انگیزه ای که روشنفکران، منور الفکران از قانون داشتند و هدفی که آنها دنبال می کردند می توان با نگاهی به نظریات و تفاوت فهم های دو نفر از روحانیون دوران مشروطه ناینی و فضل الله نوری این تنوع و پیچیدگی را بهتر روشن کرد. "ناینی در نظریه سیاسی خود مفاهیم شیعی را با دمکراسی در محدوده شورا، امور حسیبه، قوانین منصوص و غیر منصوص و مباحث کلیدی دیگر تلفیق شده می داند و عکس آنرا غیر قابل قبول اعلام می کند یعنی معتقد است که نظریه شیعه در هیچ یک زمان و مکان و تحت هیچ شرایط با استبداد قابل جمع نیست روح کتاب تنبه الامه بر پایه این محور می چرخد. ^(۴۳) ناینی در بحث خود پیرامون استبداد نه تنها از بسیاری از اندیشه های کواکبی در "طبایع الاستبداد" بهره گرفته بلکه وی عین و آژة ها و اصطلاحات را به کار برده است. ناینی در برداشت خود از تئوری مشروطه تحت تاثیر اندیشمندان و نوگرایان دنیای اسلام قرار داشت. ^(۴۴) ناینی در مقابل جریان مشروطه خواه که تدوین قانون اساسی را در حکم بدعت می دانستند و اصل آزادی و مساوات را مخالف شریعت می دانستند قرار داشت. در کنار فهم این دو جریان مذهبی از مشروطه می توان به سید حسن تقی زاده اشاره کرد او اذعان می کند که اصل و اشتقاق این لغت (مشروطه) برای او مجهول است اما نقل می کند "که گفته اند که از کلمه شارت فرانسوی و چارتا انگلیسی می آید که حکم قانون اساسی را دارد. "به نظر او" اصطلاح مشروطیت هنوز در تهران معمول نشده بود و من خود به خاطر دارم که وقتی که در اولین نطق خودم در مجلس از مشروطیت حرف زدم، وقت بیرون آمدن، جماعت مردم در بهارستان که حامیان مجلس بودند به من گفتند عجب جراتی ابراز کردید و لفظ مشروطه، را به زبان آوردید. البته بعد از انقلاب مذکور در تبریز و کشمکش در تهران که پس از مبارزات شدید و عاقبت تسلیم شاه به مدعیات مجلس و مردم دستخطی صادر کرد و آتش هیجان فرونشست، باز شاه اگر چه لفظ مشروطه را

نتیجه گیری

فهم تأثیری که روزنامه اختر بر پدیده قانون گرایی و قانون خواهی داشته است در ارتباط دیالکتیکی سه مرحله قبل درک می شود. زمینه و ساختار داخلی ایران محیطی مناسب برای طرح مفاهیمی مانند قانون بود و در این بین روشنفکران و متفکرین ایرانی با مشاهده بحران های موجود در جامعه ایران قانون را به عنوان راه حل این مشکلات تجویز می کردند یکی از مهم ترین منابعی که تأثیر قابل ملاحظه ای بر جنبش قانون خواهی ایرانی داشت روزنامه اختر بود همچنان که نشان دادیم نویسندگان اختر قانون را در ارتباط دیالکتیکی میان زمینه و زمانه ایران، عثمانی و نیات و انگیزه های خود و مواجهه خاصی که با غرب انجام داده بودند درک می کردند این مواجهه خود در ارتباط دیالکتیکی میان عوامل چندی همچون برخورد روشنفکران عثمانی با غرب، روشنفکران ایرانی با غرب و نوع تجربه شخصی خودشان شکل گرفته بود بطور کلی می توان گفت مفهوم قانون در ایران در ذیل مفهوم عدالت قابل بحث است ایرانیان فهمی که از آزادی، قانون و بسیاری از مفاهیم جدید داشتند در ذیل مفهوم عدالت - به شکل خاص خودش - درک می کردند به همین خاطر است که طیفهای متفاوتی از ایرانیان از روحانیون تا روشنفکران با گرایش های فکری متفاوت از قانون سخن می گفتند هر کدام از این طیفها همچون روزنامه نگاران اختر، فهم شان از قانون در ارتباط دیالکتیکی عوامل چندی شکل می گرفت در این بین آنچه مغفول ماند فهم ریشه ای و بنیادی کلمه قانون، آنچنان که آنها از آن می خواستند بود فقط نگاهی به عناوین سرمقاله های اختر نشان می دهد سیر مباحث به سمت کلمه قانون است: انسانیت و مدنیت، اعتدال و استقامت، مناسبات داخلی و خارجی انسانها، راستکاری و نیک بختی، اتفاق در کارها به فراخور اهمیت، دانش و آگاهی، بنیاد سعادت و نیکنامی، آزادی افکار، آزادی و حریت، اساس و وظیفه انسانیت، قانون ها و شریعت ها، قانون - شریعت. اینها عناوین سرمقاله های اختر از شماره اول تا شماره نوزدهم است بدون خوانش متن این مقالات از روی خواندن فقط عناوین می توان اینطور فهمید که به نظر اختر راه دست یافتن به انسانیت و مدنیت توسط قانون ایجاد می شود و رسیدن به آن توسط دانش و آگاهی و اعتدال و استقامت میسر می شود و رسیدن به قانون برای ما آزادی و حریت و دانش و آگاهی و در نهایت سعادت می آورد. اما خود این موضوع که اختریان انسانیت و مدنیت، اعتدال و استقامت، دانش و آگاهی، سعادت، فکر، آزادی، عدالت، قانون و شریعت را چگونه می فهمیدند خود موضوعی اساسی است ما تا بحال با بیان اهمیت اختر در دوران مشروطه و مباحث دیگر نشان داده ایم که اختر چه تأثیر مهمی بر جریان قانون خواهی و قانون گرایی داشته است و ایرانیان آن زمان تا چه حد از اختر بهره برده اند اما آنچه در این میان موضوع اصلی است نوع قانون خواهی مشروطه طلبان است خوانش این مقالات نشان می دهد نویسندگان اختر هم، به مبانی انسان شناسی و نظام ارزشهای این مفاهیم بی توجه بوده اند و معمولاً چند کلمه یا مبانی متفاوت را در کنار هم می گذاشتند آنان قانون را در کنار شریعت قرار داده و آن را به همان شکل می فهمیدند در حالیکه مبانی انسان شناسی و نظام ارزشها و معرفت شناسی شریعت و قانونی که آنها تحت تأثیر غرب می خواستند دو چیز متفاوت بود قانونی که آنها آرزو می کردند حاصل تغییراتی بنیادین بود که در نگاه انسان غربی نسبت به انسان، جهان و ارزشها بوجود آمده بود. نویسندگان اختر هم در بیان اهمیت قانون به مبانی حقوق طبیعی توجهی نکردند در دوران مشروطه طیفهای متفاوتی از قانون سخن می گفتند به نظر می رسد هر جریانی فهمی از قانون داشت و این فهم بر مبنای منشاء و مبنایی بود که آنها برای حقوق در ذهن داشتند گروهی این منشاء را در ذات باری تعالی

و مباحث عدالت الهی می دیدند گروهی آن را در نظریه های گوناگون سیاسی همچون سوسیالیسم، آنارشیزم و . . . می فهمیدند مبارزین مشروطه با مشاهده بحران های موجود در جامعه ایرانی و پیشرفت و ترقی غربیان به کلمه قانون رسیده بودند اما آنها نه توجه بنیادین به مبانی اندیشه ای این مفهوم در فرهنگ غرب و تحول این مفهوم داشتند و نه به مبانی اندیشه ای فکر ایرانی - انسان شناسی، معرفت شناسی، نظام ارزشها توجه کردند به همین خاطر است که فردای جشن پیروزی امضای فرمان مشروطیت، این رنگارنگی فهم ها در نزد مشروطه خواهان، مشروطه خواهان، سوسیال ها، دمکراتها و . . . فضای فکری، اجتماعی، سیاسی ایران را آنچنان سرگشته و آشفته ساخت که فقط با آمدن دولتی اقتدار گرا می توانست مقدراری نظم، نه به ذهن های پریشان بلکه به بی نظمی های اجتماعی و سیاسی ایران بدهد این نظم توسط افکار ایجاد نشد چرا که آن مستلزم بحث و تامل جدی در میان روشنفکران و متفکرین بود این نظم با زور به جامعه ایرانی داده شد اگر قانون نتوانست این نظم را به وجود بیاورد اما نهاد قانون گذاری ایزاری شد تا بتواند سلطنت قاجار را به فردی اقتدار گرا منتقل نماید .

منابع:

- ۱- ذاکر حسینی، عبدالرحیم - مطبوعات سیاسی ایران در عصر مشروطیت، موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، چاپ سوم بهمن ۱۳۷۵ ص ۴۰
- ۲- عباسی، مسلم، نقش روزنامه نگاری بیرون مرزی در وقوع انقلاب مشروطه، فصلنامه تخصصی بنیاد تاریخ انقلاب اسلامی ایران، جریان شناسی تحلیلی جراید فارسی (۲)، سال بیست و دوم بهار ۸۶، شماره ۸۳، ص ۲۰۴
- ۳- همان، ص ۲۰۹
- ۴- همان، ص ۲۰۵
- ۵- صدر هاشمی، محمد، تاریخ جراید و مجلات ایران، ج ۱، اصفهان، کمال چاپ دوم ۱۳۶۴، ص ۶۳
- ۶- قاسمی، سید فرید، سرگذشت مطبوعات ایران: روزگار محمد شاه و ناصرالدین شاه، تهران وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی سازمان چاپ و انتشارات مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه ها ۱۳۸۰ ج ۱، ص ۵۲۶
- ۷- کهن، کوئل، تاریخ سانسور در مطبوعات ایران، تهران آگاه، ۱۳۶۰،
- ۸- تربیت، محمد علی، دانشمندان آذربایجان، ذیل روزنامه های آذربایجانی، تهران، مطبعه مجلس ۱۳۱۴
- ۹- کسروی، احمد، تاریخ مشروطه ایران، تهران، امیرکبیر، چاپ ۲۱، ۱۳۸۳، صص ۴۰-۴۱
- ۱۰- فریدون آدمیت، فکر دمکراسی اجتماعی در نهضت مشروطیت ایران، تهران پیام ۱۳۵۵
- ۱۱- محیط طباطبایی، محمد، مجموعه آثار میرزا ملکم خان، تهران ناشر علمی بی تا
- ۱۲- ملک زاده، مهدی، تاریخ انقلاب مشروطیت ایران، ج ۱، انتشارات علمی - تهران، چاپ ۲، ص ۱۱۷
- ۱۳- کسروی، احمد، تاریخ مشروطه ایران، تهران، امیرکبیر، چاپ ۲۱، ۱۳۸۳، صص ۴۰-۴۱
- ۱۴- آجودانی، ماشاءالله، مشروطه ایرانی، نشر اختران، چاپ دوم ۱۳۸۳، ص ۲۶۰

- این مطلب را دکتر ماشاءالله آجودانی از کتاب: "رشدیه، میرزا حسن، خاطرات رشدیه، نسخه خطی ج ۱، ص ۵" نقل کرده است.
- ۱۵- عباسی، مسلم، نقش روزنامه نگاری برون مرزی در وقوع انقلاب مشروطه، فصلنامه تخصصی بنیاد تاریخ انقلاب اسلامی ایران، جریان شناسی تحلیلی جراید فارسی (۲)، س سال بیست و دوم بهار ۸۶، شماره ۸۳، ص ۲۱۳
- ۱۶- همان، ص ۲۰۸
- ۱۷- دکتر ناصر تکمیل همایون، مشروطه خواهی ایرانیان، تهران مرکز بازشناسی اسلام و ایران انتشارات بارز ۱۳۸۳ ص ۳، نقل از سید حسن تقی زاده اطلاعات ماهانه س ۷، ش ۵، مرداد ۱۳۳۳] ص ۳۰
- ۱۸- روزنامه اختر، شماره ۱- سال اول، ۱۶ ذیحجه ۱۲۹۲ ه. ق، ۱۳ ژانویه ۱۸۷۶ میلادی
- ۱۹- راوندی، مرتضی، سیر قانون و دادگستری در ایران، تهران نشر چشمه ۱۳۶۸، ص ۲۹۰
- ۲۰- اختر، تهیه و تنظیم کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، تاریخ انتشار ۱۳۷۸، ج ۱، ص ۲
- ۲۱- همان ص ۳
- ۲۲- همان ص ۴
- ۲۳- همان ص ۴
- ۲۴- همان ص ۹ و استاد محیط طباطبایی، تاریخ تحلیلی مطبوعات ایران، موسسه انتشارات بعثت، چاپ دوم تابستان ۱۳۷۵
- ۲۵- همان ص ۱۴
- ۲۶- صدر هاشمی، محمد، تاریخ جراید و مجلات ایران، ج ۱، اصفهان، کمال چاپ دوم ۱۳۶۴، ص ۶۴
- ۲۷- روزنامه اختر، شماره ۱- سال اول، ۱۶ ذیحجه ۱۲۹۲ ه. ق، ۱۳ ژانویه ۱۸۷۶ میلادی
- ۲۸- همان
- ۲۹- دهخدا، لغت نامه فارسی، شماره مسلسل ۶۱، حرف د، ص ۱۴ و ۱۵
- ۳۰- مرتضی راوندی، سیر قانون و دادگستری در ایران، تهران نشر چشمه ۱۳۶۸
- ۳۱- عباسی، مسلم، نقش روزنامه نگاری برون مرزی در وقوع انقلاب مشروطه، فصلنامه تخصصی بنیاد تاریخ انقلاب اسلامی ایران، جریان شناسی تحلیلی جراید فارسی (۲)، سال بیست و دوم بهار ۸۶، شماره ۸۳، ص ۲۱۶
- ۳۲- آجودانی، ماشاءالله، مشروطه ایرانی، نشر اختران، چاپ دوم ۱۳۸۳، ص ۱۹۶
- نقل از: روزنامه قانون شماره ۲۹- روزنامه قانون شماره ۲۶
- ۳۳- آجودانی، ماشاءالله، مشروطه ایرانی، نشر اختران، چاپ دوم ۱۳۸۳، ص ۲۴۹
- ۳۴- حقوق اساسی و تحولات سیاسی، مولف دکتر علی وفادار، تهران انتشارات شروین چاپ اول ۱۳۷۴، ص ۴۲۹
- ۳۵- حقوق اساسی و تحولات سیاسی، مولف دکتر علی وفادار، تهران انتشارات شروین چاپ اول ۱۳۷۴، ص ۱۱۶
- ۳۶- همان، ص ۱۱۹
- ۳۷- همان

۳۸- همان

۳۹- همان ص ۱۹۸

۴۰- همان، ص ۱۵۵

۴۱- همان، ص ۲۷۸

۴۲- همان، ص ۲۷۹

۴۳- بنیاد فلسفه سیاسی در عصر مشروطیت، موسی نجفی، تهران نشر دانشگاهی چاپ اول
۱۳۷۶ ص ۱۷۸

۴۴- عبدالهادی حائری، تشیع و مشروطیت، ج ۲ تهران امیرکبیر ۱۳۶۴ ص ۲۲۳ و ۲۳۱

۴۵- دکتر ناصر تکمیل همایون، مشروطه خواهی ایرانیان، تهران مرکز بازشناسی اسلام و ایران انتشارات
بارز ۱۳۸۳ ص ۳، نقل از سید حسن تقی زاده اطلاعات ماهانه س ۷، ش ۵، مرداد ۱۳۳۳ ص ۳۲

* دانشجوی کارشناسی ارشد علوم سیاسی دانشگاه تربیت مدرس

** گزیت کلمه فرنگی Gazette به معنی روزنامه است.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی